



## نهضت عاشورا، پیام‌ها و پیامدها

پدیدآورده (ها) : محمدی، محمد ابراهیم

علوم اجتماعی :: پژوهش‌های اجتماعی اسلامی :: فروردین و اردیبهشت 1382 -

شماره 39

از 58 تا 71

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/20479>

دانلود شده توسط : احسان محمدی

تاریخ دانلود : 15/07/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می‌باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می‌باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

# نهضت عاشورا، پیام‌ها و پیامدها

محمد ابراهیم محمّدی

## چکیده

در این نوشتار به نقش حادثه‌ی عاشورا در القای پیام‌ها پرداخته شده و پیامدهای آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پیام‌ها، چندین پیام سترگ تاریخی ارزیابی و تبیین گردیده است؛ همچون شهامت حسینی، ایثار حسینی، صبر حسین بن علی و یاران، اندرزهای مهم تاریخی، اصلاحاتی که انجام گردیده و لطفی که امام حسین در ضمن این حماسه به مسلمانان و یاران خود داشته، گونه‌ی نمازی که آن حضرت اقامه کرده و خلوصی که از خود نشان داده و ارزش‌هایی که آفریده و رسالت‌مداری آن انسان پاک و آزاده و الگو، همه جزو پیام‌های عاشوار می‌باشند. در بخش پیامدها نیز، چند پیامد سترگ را اشاره نموده است، همچون الهام‌آفرینی نهضت بزرگ حسینی، احیای شریعت که پس از دوره‌ای رخوت و سستی و عقب ماندگی حاصل شده، انقراض سلسله و دودمان اموی و لزوم اصلاحات مهم تاریخی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها که در نتیجه‌ی آن انقلاب‌های تاریخی فراوانی رقم خورده است. همچون انقلاب توابین، انقلاب سادات مدینه، انقلاب مختار، انقلاب بطرف مغیره، و... امام حسین، همچنین اسلام شیعی را به خوبی بارور ساختند و همایش‌های مکرر و ماندگاری را از خود برای همیشه به جای گذاشتند و بدین‌سان در جنبه‌ی پیام‌ها و پیامدها، این نهضت سرآمد همه‌ی نهضت‌های بزرگ تاریخی است و از این رو الهام بخش همه‌ی نهضت‌ها و حرکت‌های شکوهمند است.

مسیر انحراف از اهداف و زیرسازهای خود  
گرفتار آمده بود و به تدریج به دوره‌ی  
جاهلیت پیشین سوق داده می‌شد و با  
اشرافی‌گری و تجمل‌خواهی از آرمان خود  
فاصله می‌گرفت و زمینه را برای حکومت

نهضت حسینی یگانه حماسه‌ای است که  
تاریخ را متحول و مرزهای حق و باطل را  
تبیین کرده است. این نهضت در زمانه‌ای  
آغاز شد که آموزه‌ها و تعالیم اسلامی  
وارونه معرفی می‌شد و جامعه‌ی دینی در

ناصالحان و منافقان که در قیافه‌ی مسلمانی درآمده بودند، فراهم می‌آورد.

در چنین جامعه‌ای امام حسین (ع) نماد ارزش‌های خاموش گردید و فریاد در گلو مانده اسلام شد و علم اصلاحات را برافراشت.

حقیقت این است که نهضت عاشورا هر چند در زمان و مکانی محدود انجام شد، اما شعاع تاثیر گذاری آن دنیای اسلام را فرا گرفت و به نمادی آرمانی برای آزادی خواهان حقیقت طلب تبدیل گشت و معیار عزت و سعادت مندی گردید.

### الف) پیام‌ها

در مجموعه‌ی نهضت عاشورا آموزه‌های زیادی است که هر فراز آن می‌تواند چراغی فراروی نخبگان امروز باشد. در این مجال کوشیده‌ایم - در حد اختصار - پاره‌ای از این پیام‌ها را گزارش کنیم.

#### ۱) شهامت حسینی

شهامت از القبای حماسه‌ی حسینی است. ترس و بزدلی در پیشگاه این نهضت زبون است.

در دوره‌ی زندگی حضرت، به ویژه در حرکت شکوهمند عاشورایی سخن و حرکتی که رنگ مایه‌ی هراس و خوف

داشته باشد وجود ندارد، صلابت و استواری امام، به گونه‌ای است که کارگزاران اموی و حتی عناصر به اصطلاح خیرخواه، در مقابل عظمت آن کوچک و از درک آن ناتوانند. گو اینکه پاسخ‌های صریح و قاطع امام بسیاری را به خود استیضاحی در می‌آورده است.

رفتار و سخنان امام از زمانی که موضوع بیعت یزید طرح شد تا روز عاشورا و شهادت، آهنگی همگون دارد مقایسه‌ی سخنانی که در گشایش صوری مدینه نقل شده با آنچه در حصار تنگ شهادت رسیده یکسان است، گویی همه چیز تحت الشعاع اراده‌ی آسمانی قرار گرفته و عنصر ترس از مرگ و اسارت به زانو در آمده است.

پاسخ قاطع امام به دو برادرش محمد حنفیه<sup>۱</sup> و محمد اطرف<sup>۲</sup> و ام سلمه<sup>۳</sup> که از سر دلسوزی، امام را از حرکت منصرف می‌کردند و اخبار رسیده از پیامبر (ص) و امام علی (ع) را در مخاطره‌آمیز بودن حرکت نقل می‌نمودند، گویای همین موضوع است.

امام در مقابل اصرار بیش از حد برادرش محمد حنفیه تصریح می‌کند که:

یا اخی لو لم یکن فی الدنیا ملجأ و لا مأوی لما بایعت یزید بن معاویه<sup>۴</sup>



و در آخرین نامه‌ای که از کربلا برای ایشان و افراد قبیله‌ی بنی هاشم فرستاد نوشت:

گویا دنیایی وجود نداشته، آنچنان که آخرت پایدار است.<sup>۵</sup>

این اصل که الفبای ایجاد تحوّل در جامعه است، فراز برجسته‌ی نهضت حسینی است که آزادگان جهان را با شهادت و دلیر مردی آشنا می‌نماید و از تردید و تذبذب در انتخاب هدف پرهیز می‌دهد.

## ۲) ایثار حسینی

گذشتن از دلخوشی‌های زندگی و نه گفتن به تعلقات آن و خانه و شهر را به نشانه‌ی دفاع از دین و اعتراض اصلاح‌گرانه ترک کردن، چیزی نیست که بتوان بی راحتی از کنار آن گذشت. به استقبال مرگ رفتن و همه چیز را در خدمت احیای دین گرفتن معیار خلوص حرکت‌های آسمانی است و این پیامی است که امام حسین علیه السلام در حرکت تاریخی خود آن را جاودانه ساخت. امام حسین در راهی که پیش گرفته بود از همه چیز خود گذشت و با مدینه و خاطرات شیرین آن وداع کرد.<sup>۶</sup>

امام در جای جای سخنان خویش اصلاح‌گران را به ایثارگری و دست شستن

از مطامع و خوشی‌های زندگی فرا می‌خواند و نسبت به گرفتار آمدن ایشان در چنگال دلخوشی‌های زود پای دنیا هشدار می‌دهد. امام در شامگاه اقامت خود در مکه، شیعیان و نزدیکان را به حضور می‌طلبد و ایشان را به ایثار و فداکاری برای احیای دین خدا دعوت می‌کند و رسماً فرجام این اصلاحات ناگزیر را شهادت خود و یارانش اعلام می‌کند:

من کان باذلاً فینا مهجته و موطناً  
على لقاء الله نفسه فلیر حل معنا فاتی  
راحل مصباحاً ان شاء الله.<sup>۷</sup>

## ۳) صبر حسینی

تاریخ کسی را همانند حسین علیه السلام نمی‌شناسد. او آموزگار صبر و شکیبایی است. کسی نمی‌تواند مظلومیت او را درک کند و ژرفای مصیبت او را بیابد. آیا کسی می‌توانست در مقابل این طوفان شکننده استوار بماند؟

در مکتب امام پایداری در مقابل مصیبت‌هایی که در طبیعت حرکت‌های اثرگذار نهفته است، جاودانگی است و در این آموزه تحمل تلخکامی‌ها وقتی با ایمان به خدا همراه باشد نه تنها سخت نیست که میسر و گواراست.

امام وقتی بی‌دفاع‌ترین عضو کاروان

خود - علی اصغر (س) - را به خون آغشته می‌یابد، این گونه خود را تسکین می‌دهد که:

هون علیٰ منازل بی آنه بعین  
الله<sup>۸</sup>

و در واپسین لحظات حیات با خدای خویش نجوا می‌کند:

صبراً علی قضائک یا رب<sup>۹</sup>

امام در دهمین روز نهضت و در آستانه‌ی سپردن رهبری به زینب کبریٰ به وی چنین تعلیم می‌دهد:

یا اختاه تعزّی بعزاء الله و اعلمی  
انّ اهل الارض یموتون و اهل السماء  
لا یموتون و انّ کل شیء هالک الاوجه  
الله الذی خلق الارض بقدرته<sup>۱۰</sup>

۴) اندرز حسینی

در شقاوت و ناکامی‌های معنوی آدمی عوامل متعددی مؤثرند. پاره‌ای از آنها ملموس و برخی ظریف و به ظاهر نامحسوسند. یکی از عواملی که در انحراف آدمی مؤثر است، بی‌مبالاتی در مسائل معیشتی و ناپرهیزی در مشروعیت هزینه‌های زندگی است و همین خود ریشه بسیاری از انحرافات بزرگ اجتماعی واقع می‌شود و قادر است جامعه‌ای بزرگ را در سراسیمه‌ی سقوط قرار دهد. شکم پرستی و

اسیر سفره‌های رنگین شدن و ناپرهیزی در مسائل معیشتی یکی از عوامل ناکامی مردم کوفه در همراهی با نهضت حسینی گردید و شرافت را از ایشان ستاند و نفسشان را از کرامت انسانی تهی ساخت.

این موضوع به ظاهر کوچک سرانجام سران کوفه را علی رغم درک حضور امام علی (ع) و دعوت رسمی از حسین بن علی (ع) در آزمون دنیا و آخرت مردود نمود. لقمه‌های شیرین بی زحمت و هدایای نامشروع حکومتی، دل سران قبایل را از جذب شدن در آفتاب معنویت محروم ساخت و ایشان را در مصاف با عقاید خویش قرار داد. امام علل مخالفت مردم کوفه و عناد آنان را چنین افشا می‌کند:

قد انخرلت عطیاتهم عن الحرام و  
ملئت بطونهم عن الحرام فطبع الله  
علی قلوبکم<sup>۱۱</sup>

و البته که این هشدار مرز و زمان نمی‌شناسد و نسلی خاص را در بر نمی‌گیرد، بلکه در ابدیت زندگی‌های بشری در عاشورای سال ۶۱ هجری و عاشوراها، انتخاب مرزهای حق و باطل، سرنوشت سازترین تعلیم و آموزه‌ی حسینی است.

## ۵) اصلاح حسینی

در یک نگاه کلی می‌توان عصاره‌ی حرکت امام را در احیا دو اصل امر به معروف و نهی از منکر دانست. این دو که گاه به صراحت و یا به صورت ضمنی در سخنان، نامه‌ها و محاورات امام آمده است گویای اهمیت و جایگاه ویژه‌ی آن در نهضت عاشورا است. انحراف اسلام از مسیر اصلی - تحریف و بدعت گذاری - عدم اجرای قوانین الهی، دلبستگی‌های دنیوی عوام و تفاخر و تکاثر خواص و ده‌ها مورد از این قبیل موجب شده بود که احیای این دو فریضه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بیابد. امام در مقابل ذهنیت برخی که استنکاف از بیعت با یزید را عامل حرکت امام می‌انگاشتند، با صراحت اعلام می‌کنند:

اگر ایشان از تقاضای بیعت من صرف نظر کنند باز هم آرام نمی‌نشینم، زیرا اختلاف من با دستگاه خلافت تنها بر سر بیعت با یزید نیست که با سکوت آنان من نیز سکوت کنم، بلکه وجود یزید و خاندان وی موجب ظلم و شیوع فساد و تغییر در احکام است و این وظیفه‌ی من است که در راه اصلاح این مفسد با امر

به معروف و نهی از منکر بپاخیزم. ۱۲

و این هدف از روز نخست حرکت تا روز آخر و واپسین لحظات در روح نهضت حسینی متجلی است در فرازی از زیارت مقدسه خطاب به امام (علیه السلام) می‌گوئیم:

اشهد انک قد اقامت الصلوة و اتيت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر.

## ۶) لطف حسینی

امام کانون رحمت الهی و حجت خداوند است. او با همه‌ی بی‌حرمتی و عهد شکنی‌ای که از مسلمانان دید، دمی از خیر خواهی و نصیحت ایشان دست نکشید. امام در مدینه نماد مهرورزی و حلقه‌ی وصل و نقطه‌ی عطف مسلمانان و یاران رسول الله بود و در مسیر هجرت بیدارگر خویش نیز دمی از تبیین خیر و صلاح امت و ارشاد ایشان باز نماند.

در منزل بنی مقاتل وقتی عبید الله بن حر جعفی<sup>۱۳</sup> با امام هم منزل شد و از تشرف به حضور حضرت امتناع کرد، امام پس از آگاهی از این جریان شخصاً ایشان را ملاقات، نصیحت استمالت و خیر خواهی کرد و به رغم سابقه‌ی تاریک وی به او وعده‌ی آمرزش گناه داد؛ هر چند او نیز همچون بسیاری دیگر لیاقت همراهی

را نیافت و نادم زیست و مرد.<sup>۱۴</sup>

امام خود بارها سران لشکر کوفه را به نام نصیحت کرد و حتی ابن سعد، سرکرده‌ی سپاه، را چندین بار اندرز و هشدار داد.<sup>۱۵</sup>

(۷) نماز حسینی

امام روز پنجشنبه، نهم محرم، برادرش عباس را به سوی لشکر ابن سعد فرستاد تا از دشمن برای یک شب برای دعا، نیایش و تلاوت قرآن مهلت طلب کند.<sup>۱۶</sup>

در ظهر فردای آن روز هم با یادآوری ابو ثمامه‌ی صائدی<sup>۱۷</sup> به رغم مخالفت، زیر باران تیر و نیزه‌ی دشمن به نماز ایستاد و وفاداری خود و یارانش<sup>۱۸</sup> را در آخرین لحظه‌های حیات به اثبات رسانید و تاریخی‌ترین دفاع را از نماز به نمایش گذاشت، چرا که نماز در تعالیم حسینی معنی بخش و تحول آفرین است.<sup>۱۹</sup>

(۸) خلوص حسینی

بر اساس مستندات تاریخی، امام حرکت خود را از جوار مضجع مبارک پیامبر با این نیایش آغاز کرد:

اللهم اِنِّی احبُّ المعروف و انکر المنکر و انا اسالک یا ذا الجلال و الاکرام بحق القبر و من فیہ الاخرت بی ما هولک رضا و لرسولک رضا.<sup>۲۰</sup>

و آخرین فراز آن را با این جمله به پایان برد:

الهی صبراً علی قضائک یا ربّ لا اله سواک یا غیاث المستغیثین.<sup>۲۱</sup>

این دو مناجات اگر چه در دو موقعیت خاص به آستان الهی انجام شده است، اما در یک مدار و مبتنی بر یک هدف مبنای حرکت امام را تشکیل می‌دهند. این شیوه نشان از این حقیقت است که امام رضایت الهی را مبنای حرکت خود و معیار سنجش قیام‌ها و خیزش‌های انقلابی در جهان می‌داند. در آموزه‌ی حسینی وقتی رضایت الهی شناسنامه‌ی حرکت‌های اصلاح گرایانه شد، نهضت با وجود تلخکامی‌های ظاهری، گوارا می‌شود و به جاودانگی می‌پیوندد.

(۹) ارزش‌های حسینی

کاروان حسینی آینه همدلی و یکرنگی است. در این کاروان بر خلاف کاروان یزیدی که کمی آن سوتر خیمه زده است کسی به گذشته‌های طبقاتی نمی‌اندیشد، بر خود نمی‌بالد و یا خود را به خاطر رنگ، قد و خانواده کم نمی‌گیرد. ملاک در کاروان حسینی ارزش‌های انسانی است. خیمه گاه حسینی هم جوان دارد و هم پیر، هم صحابی پیامبر و علی دارد و هم کودک و

نوجوان و جوان، سیاه دارد و سفید اما این همه رنگی ندارد گو اینکه امام می‌خواهد سنت پیامبر را در نفی نژاد و تبعیض احیاء کند.

جون بن حری که عمری در جوار امام زندگی کرده است وقتی با اصرار و سماجت به امام عرض می‌کند: لا و الله لا افارقکم حتی یختلط هذا الذم الاسود مع دمائکم.

امام برای ایشان چنین دعا می‌کند: اللهم بیض وجهه و طیب ریحه و احشره مع الابرار و عرف بینه و بین محمد و ال محمد. ۲۲

#### ۱۰) رسالت حسینی

دین در آموزه‌ی امام حسین علیه السلام از همه چیز مهم‌تر است. حساسیت در مقابل سرنوشت دین هیچ ملاحظاتی را بر نمی‌تابد و هیچ اما و اگر را نمی‌پذیرد.

امام در روز دوم محرم پس از توقف کوتاه در میان یاران و خاندان خویش قرار گرفت و مراتب نگرانی خود را پیرامون سرنوشت دین و ارزش‌های دینی و نیز رسالت مسلمانان چنین ابراز داشت:

پیش آمد ما همین است که می‌بینید. اوضاع زمان تغییر کرده، زشتی‌ها آشکار شده و فضیلت‌ها و ارزش‌ها از محیط ما رخت بسته است.

از فضائل انسانی جز اندکی (چون مانده‌ی ته ظرف) بیشتر نمانده است. مردم در زندگی ننگین و ذلت باری به سر می‌برند. شایسته است در چنین محیط ننگین شخص با ایمان و با فضیلت فداکاری و جانبازی کند و به سوی فیض دیدار پروردگار بشتابد مردم برده‌های دنیا هستند و دین لقلقه زبان‌شان می‌باشد. حمایت و پشتیبانی آنها از دین تا آنجاست که زندگی‌شان در رفاه است. ۲۳

#### ب) پیامدها

نهضت امام حسین همان گونه که پیشتر اشاره داشتیم هر چند در مقطع زمانی و مکانی محدود انجام گرفت و اگر چه نیم روزی در بیابانی دور از آبادی به وقوع پیوست، اما پیامدهای زیادی را پدید آورد شاید کسی گمان نمی‌کرد که پیامد این کاروان کوچک به این میزان بزرگ و گسترده باشد. آیا نخبگان سیاسی و اجتماعی وقت از این پایگاه اطلاعی نداشتند و یا این نهضت را در ردیف هزاران پیش آمده‌ی که در بستر تاریخ غبار فراموشی می‌گیرد قلمداد می‌کردند. بی شک جامعه‌ای که این حرکت در آن

پدید آمده است را باید جامعه‌ای برده نامید و نخبگان آن را عناصری مسخ شده و بی هویت. آیا به چنین جامعه‌ای که روح زندگی از آن ستانده شده و به کالبدی تهی از چراهای انسانی تبدیل گشته است جز این می‌توان نام داد؟

سؤال این است که در سال ۶۱ هجری کسی درد دین نداشته و یا این مخاطرات دینی را جدی نمی‌گرفته است و یا امام - العیاذ بالله - تکلیف کسی را در آن وانفسای دین ستیزی باز نگفته بوده است و یا حرکت کاروان اصلاحات به حدی گمنامانه و سریع بوده که کسی را از خواب نوشتین بیدار نساخته است؟!

منبعی تاریخی که وضعیت اجتماعی و چند و چون زندگی خواص جامعه را از این منظر آشکار نماید نداریم، اما بر این باوریم که صدها چهره‌ی تأثیرگذار با سابقه‌ی التزام منبر پیامبر ﷺ و علی ﷺ و ده‌ها هزار مسلمان در هنگام شکل‌گیری این جریان در مدینه و مکه زندگی می‌کرده‌اند، اما آنچه هست این است که این مسلمانان مدعی در پستوهای ترس خزیده و روزگار را به مصلحت خلاف جریان عقیده و وجدان خود می‌گذرانده‌اند.

وقتی امام غریبانه به قبر پیامبر ﷺ

پناه می‌برد و بر ایشان از مسلمانان شکوه می‌کند،<sup>۲۴</sup> کسی بر خود نمی‌گیرد و در هنگام وداع با مدینه جز انگشت شماری از خویشان و نزدیکان با وی همدردی نمی‌کند. آیا این تراژدی مصلحت اندیشانه‌ی خواص نشان از مظلومیت امام حسین ﷺ و بی تفاوتی آنها نسبت به سرنوشت دین نیست؟!

به هر تقدیر پیامدهای این نهضت مقدس از فرازهای جاودانه‌ی تاریخ اسلام است که در این بخش به مواردی از آن به اجمال اشاره می‌کنیم.

(۱) امام حسین ﷺ و احیای اسلام

به شهادت تاریخ اگر امام و یارانش برای احیای دین قیام نمی‌کردند و خود را در آن وانفسای بدعت و دین ستیزی و نیز قلب واقعیت‌های اسلامی فدای اصلاح و ابقای اسلام نمی‌کردند، اثری از تعالیم ارزشمند دین نمی‌ماند. از این روی به جرئت می‌توان ادعا کرد و آراء و دیدگاه‌های اندیشمندان گروه‌های مختلف اسلامی را به شهادت گرفت که ماندگاری اسلام و تعالیم دیرپای محمدی و ام‌دار جانفشانی امام حسین ﷺ است.<sup>۲۵</sup> آیا این حدیث متواتر که در منابع اهل سنت و امامیه از پیامبر ﷺ رسیده است که: «حسین منی و

انا من حسین» تفسیری جز این دارد؟ آیا این سخن و احادیث بسیاری که از پیامبر ﷺ در خصوص عظمت و منزلت حسین بن علی رسیده است جز بیان همانندی بعثت (= ظهور اسلام) و عاشورا (= احیای اسلام) است؟!

احیای دین یکی از پیامدهای مسلم نهضت حسین است. به قول سید جمال اسد آبادی اسلام محمدی «الوجود و الحدوث» است و حسین «البقاء و الاستمرار».

۲) امام حسین و انقراض سلسله‌ی اموی یزید فرزند معاویه و نوه‌ی ابوسفیان است. مصلحت اندیشی‌ها و ابن الوقت بودن‌های ابوسفیان و شراب خواری‌ها و خوشگذرانی‌های دور از جماعت معاویه، همه در یزید مرده است.

یزید بر خلاف معاویه کسی نبود که بتواند زن بارگی، شراب خواری و بوزینه بازی خود را پنهان کند. او همه‌ی این مفاصد را نه در خفا که آشکارا مرتکب می‌شد.

امام در جلسه‌ای در پاسخ پیشنهاد بیعت ولید بن عتبه - استاندار وقت - یزید را این گونه معرفی می‌کند:

یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس

المحترمه معن بالفسق و مثلی لایباع مثله. ۲۶

یزید از دیدگاه فرق و در گزارش تمامی مورخین فاسق و فاسد معرفی شده است. ابن حماد حنبلی<sup>۲۷</sup> و ابن جوزی<sup>۲۸</sup> و دیگران یزید را عنصری فاسد و فاسق گزارش کرده‌اند. خاندان بنی امیه به خصوص ابوسفیان و زنش (هند) و خواهرش (حمالة الحطب) و پسرانش (حنظله، یزید و معاویه)، پدرزنش (عتبه)، عموی زنش (شیبه)، برادر زنش (ولید)، پسرعمویش (حکم و مروان) و نوه‌اش (یزید) دمی از توطئه و خیانت علیه اسلام و مسلمانان غافل نبودند.<sup>۲۹</sup> ابوسفیان بزرگ‌ترین آرزویش را بازگشت دوباره به جاهلیت می‌دانست و در این راه از اجرای هر تاکتیکی روی گردان نبود. تلاش ایشان در نفوذ به بدنه‌ی حکومت در دروه‌ی خلافت شیخین و به خصوص عثمان و تظاهر به دوستی و بیعت با علی<sup>۳۰</sup> و آخر الامر طرح خون خواهی عثمان و علم کردن پیراهن خونین وی از این جمله است.

معاویه در ادامه همین سناریو خود را پادشاه می‌انگارد و با طرح اخذ بیعت برای یزید وی را واجب الاطاعة معرفی می‌نماید

و در برابر مخالفت عاشیه با زمامداری یزید به وی می‌گوید:

إِنَّ أَمْرَ يَزِيدٍ قَضَاءٌ مِنَ الْقَضَاءِ وَلَيْسَ  
لِلْعِبَادِ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ<sup>۳۱</sup>

به هر تقدیر این نزاع عمیق اما پنهان و منافقانه بدون کمترین مزاحمت و اعتراضی می‌رفت تا به زعم کاخ نشینان شام به حذف یا استحاله‌ی اسلام منجر شود، اما با قیام امام نه تنها چنین نشد، بلکه دودمان بنی امیه منقرض گردید و ارکان حکومت آنها پس از شهادت امام و بر اساس پیش بینی‌های حضرت از هم پاشید.<sup>۳۳۲</sup>

۳) امام حسین و اصلاحات

روحیه‌ی نخوت و بی‌تفاوتی، جامعه‌ی مسلمانان را در سکوت مرگ بار فرو برده و زمینه را برای هرگونه جنایتی فراهم ساخته بود. تبعیض نژادی، تکاثر، ریاکاری، فاصله‌ی طبقاتی و... که در قالب تظاهر دینی انجام می‌گرفت فرصت را برای تحریف دین و حرمت شکنی مسلمانان فراهم و اجرای طرح بنی امیه را در ظهور فرهنگ جاهلی مهیا ساخته بود بر اساس مدارک و مستندات تاریخی، این روند که در سایه‌ی همین بی‌تفاوتی‌ها حاصل آمده بود، وضع را به جایی رسانده بود که

حکومت با سلب اختیار از مسلمانان، لجام گسیخته به تحکّم و تحقیر مسلمانان مبادرت و هر نوع اعتراض و تمردی را سرکوب می‌کرد.<sup>۳۴</sup> امام حسین در پاسخ همین نیاز علم اصلاحات را برافراشت<sup>۳۵</sup> و مسلمانان جامعه را به بیداری و بازگشت به اصالت‌های خود صلا داد.

این قیام هر چند در ظاهر شکست خورد و به اسارت حرم پیامبر منجر شد، ولی سرانجام به بیداری مسلمانان از غفلت و بی‌تفاوتی انجامید و بذر نفرت عمومی و خشم آشکار از خاندان بنی امیه نیز در سایه‌ی همین اصلاحات ریخته شد. عبد الله بن همام می‌گوید:

خَشِينَا الْغَيْظَ حَتَّى لَوْ شَرَبْنَا دِمَاءَ بَنِي  
أُمَيَّةٍ مَارُونِيَا

پرفسور ادوارد معتقد است، گروه شیعه یا طرفداران امام علی، به اندازه‌ی کافی هیجان و از خود گذشتگی نداشتند، اما پس از رخداد کربلا کار دگرگون شد و چنان گشت که نسبت به رنج خطر و حتی مرگ بی‌اعتنا شدند.<sup>۳۶</sup>

مردم با اقتدا و تأسی به امام حسین، به عنوان یک عنصر عزت آفرین و نجات بخش، در مقابل حکومت جور ایستادند. این تحول فکری، سرآغاز قیام‌های

مسلمانان در قالب توابین و مختار گردید و رنگ خون خواهی به خود گرفت و بسیاری از سرگردگان لشکر ابن سعد را به هلاکت رسانید.<sup>۳۷</sup>

۴) امام حسین و قیام‌های خونین

تأثیر قیام امام حسین بر حرکت‌های انقلابی پس از خود از جمله پیامدهای روشن تاریخی قیام است. این نهضت که سرچشمه‌ی قیام‌های پس از سال ۶۱ هجری بوده است، با قیام توابین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی در کوفه آغاز و در مسیر خود انقلاب‌های زیادی را پدید آورد. نقطه‌ای که این انقلاب‌ها را به هم مرتبط می‌کرد، همان اهدافی بود که در

قیام حسینی وجود داشت و در محاورات و سخنان امام آمده است و شاخص‌ترین آن بیعت با یک رهبر انقلابی است که بتواند با تمسک به کتاب و سنت پیامبر ﷺ مسلمانان را رهبری کند.<sup>۳۸</sup> بدین سان مسلمانان ضمن تأکید بر عدم مشروعیت سلطنت بنی امیه<sup>۳۹، ۴۰</sup> شعار «الرضا من آل محمد» را در اواخر دوره‌ی اموی سر فصل قیام‌های خود نمودند.

برجسته‌ترین قیام‌هایی که در محدوده‌ی زمانی سال‌های ۶۱ تا ۱۶۹ هجری - واپسین سال‌های حکومت اموی

- رخ داد عبارتند از:

۱) انقلاب توابین به رهبری سلیمان صرد؛

۲) انقلاب سادات مدینه؛

۳) انقلاب مختار؛

۴) انقلاب بطرف مغیره؛

۵) انقلاب عبدالرحمن بن محمد بن اشعث؛

۶) انقلاب زید بن امام سجاد؛

۷) انقلاب یحیی و عیسی بن زید؛

۸) شورش عباسیان با دستکاری ابو مسلم خراسانی؛

۹) انقلاب آل حسن.

۵) امام حسین و اسلام شیعی

هر چند مبانی اصلی تشیع که همان تمسک به امامت است در قرآن و سنت پیامبر ریشه دارد، اما جدایی تاریخی آن به دوره‌ی امام حسین برمی گردد. شیعه هر چند با بهره‌گیری از میراث فکری حاصل از حکومت کوتاه امام علی به تدریج منسجم و از سایر گروه‌های اسلامی جدا شد، اما این جدایی پس از شهادت امام حسین قطعی شد

شعارهایی که نهضت حسینی بر اساس آن نضج گرفته بود موجب شد تا صف اسلام شیعی با اسلام اموی تمایزی آشکار

بیايد. ترویج و تبلیغ اموی‌ها از اسلام خود ساخته اجازه نمی‌داد مردم با ماهیت و حقیقت اسلام واقعی آشنا شوند و این جدایی و انحراف در دوره خلافت یزید به اوج خود رسیده بود. به اعتقاد نیکلسون حادثه‌ی کربلا مایه‌ی پشیمانی و تأسف امویان شد، زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و زمینه را برای ظهور و بروز نهضت تشیع فراهم ساخت.<sup>۴۱</sup>

۶) امام حسین و همایش‌های ماندگار  
همایش‌های خود جوش که همه ساله در دهه‌ی محرم و صفر و سایر مناسبت‌ها تحت عنوان عزاداری برگزار و مردم را به صحنه‌ی حضور سوگواری اجتماعی می‌کشاند و به شناخت و تعمیق این حماسه می‌انجامد، کمتر از سایر پیامدهای این حرکت نیست. این عزاداری‌ها که به خارج از مرزهای جغرافیایی رسیده و فراتر از خط کشی‌های نژادی، زبانی، سیاسی و دینی رفته است، امروزه بستر حماسه‌های روشن‌گرانه زیادی در سطح جهان شده است. جنبش‌های جهانی، حرکت‌های انقلابی و هزاران حرکت اصلاح‌گر و تحوّل‌آفرین حاصل همین همایش الهام‌بخش است. به قول ناپلئون بناپارت چگونه می‌شود که برای برپایی یک

همایش ده‌هزار کارت چاپ و با چه زحماتی به اشخاص رسانیده می‌شود و سرانجام از این تعداد هزار نفر حاضر می‌شوند و کار ناتمام می‌ماند ولی مسلمانان و شیعیان با نصب یک پرچم سیاه صدها هزار نفر را در یک محل جمع می‌کنند... این یکی از فواید قیام امام حسین است.<sup>۴۲</sup>

این همایش که دل‌های زیادی را به خود معطوف ساخته، موجب شده است تا بستر مناسبی را برای خیر اندیشی فراهم آورد  
این‌ها به جز وقف و نذورات و سایر عوایدی است که برای توسعه‌ی عزاداری و ترویج معارف حسینی منظور می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. عبد الله بن نور الدین بحرانی، *مقتل عوالم*، ص ۵۴.
۲. خطیب خوارزمی، *مقتل خوارزمی*، ج ۱، ص ۱۸۸.
۳. رک: محمد صادق نجفی، *سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا*، ص ۲۹، به نقل از *مدینه المعجز*، ص ۲۴۴.
۴. *مقتل عوالم*، ص ۵۴.
۵. محمد قولویه، *کامل الزیارة*، ص ۷۵.
۶. امام - در منزل رهیمه - در پاسخ مردی کوفی به نام ابهرم که پرسید باین رسول الله ﷺ ما الذی اخرجک عن حرم جدک؟ فرمود: یا ابا

هرم ان بنی امیه شتموا عرضی فصبرث و اخذوا مالی فصبرث و طلبوا دمی فهریث و ایم الله لیقتلونی فلیسهم الله ذلاً شاملاً؛ مقتل خوارزمی، ۱/۲۲۶.

۷. ابن نما، مشیر الاحزان، ص ۲۱.

۸. سید بن طاووس، لهوف، ص ۲۴۴.

۹. عبدالرزاق مرقم، مقتل مرقم، ص ۳۴۴.

۱۰. شیخ مفید، ارشاد، ۹۷/۲.

۱۱. رک: سخنان امام حسین از مدینه تا کربلا، ص ۲۳۲، به نقل از مقتل خوارزمی، همان.

۱۳. وی از غارتگران و راهزنان تاریخ است و در جنگ صفین در معیت معاویه با علی علیه السلام جنگید.

۱۴. انسان الاشراف، ۳/۱۷۳ و انّ علیکم ذنباً کثیرة فهل لک من توبة تمحو بها ذنوبک.

۱۵. مقتل خوارزمی، ۱/۲۴۵ - امام شبانه در میان دو لشکر با عمر سعد قرار ملاقات گذاشت و به ایشان فرمود: یا بن سعد و یحک امام تنقی الله الذی الیه معادک و انابن من علمت الا تكون معی.

۱۶. ارشاد، ۲۴۰.

۱۷. کامل ابن اثیر، ۳/۲۹.

۱۸. سعید بن عبد الله و فرط کعبی در بین نماز به شهادت رسیدند.

۱۹. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/۴۱.

۲۰. رک: مقتل و عوالم، ص ۵۴.

۲۱. مقتل مرقم، ص ۳۴۴.

۲۲. لهوف، ۹۵.

۲۳. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۴.

۲۴. مقتل خوارزمی، ۱/۱۸۶، فاشهد یا نبی الله انهم خذلونی و لم یحفظونی و هذه شکوای الیک.

۲۵. لهوف ص ۲۰، انا الله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذابلیت الامة براء مثل یزید.

۲۶. ارشاد، ص ۲۰۰.

۲۷. ابن حماد حنبلی، شذرات الذهب، ۱/۶۹.

۲۸. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۶۱.

۲۹. سیره ابن هشام، ۲/۹۳.

۳۰. کامل، ۲/۲۲۰ و شرح نهج البلاغه، ۲/۷.

۳۱. ابن واضح یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ۲/۶۰.

۳۲. علامه مهاجر عاملی، ذکر الحسین، ۲/۲۴.

مارتین - یکی از مستشرقین آلمانی - می گوید: بزرگترین غلط سیاسی بنی امیه که به سبب آن اسم و رسم آنها از صفحه عالم محو گشت، کشتن امام حسین بود.

۳۳. عبد الله بن همام السلولی می گوید:

فان تا تویر ملة او بنهیه

بتایعها امیره مرساً

۳۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۴۴/۲۳۳.

۳۵. دکتر حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۵۲.

۳۶. مصعب بن زبیر به همسر ارجمندش دختر امام حسین علیه السلام می گوید: ولم یبق ابوک لابن حرّة فدرا.

۳۷. زهری می گوید: احدی از لشکریان ابن سعد از جنگ برنگشت جز اینکه پیش از عذاب آخرت کشته یا با سیاه رویی مردند؛ رک: حفیدة الرسول، ص ۵۳.

۳۸. حسین بن علی معروف به شهید فخ که در سال ۱۶۹ هجری قیام کرد، می گفت: اذعوکم الی الرضا من ال محمد و علی ان نعمل فیکم بکتاب الله و سنة نبیه و العدل فی الرعیة و القسم بالسویة. رک: ابوالفرح اصفهانی مقاتل الطالبین، ص ۳۷۸.

۳۹. رک: رسول جعفریان، تاملی در نهضت عاشورا، ۲۴۴.

۴۰. ابن اصل به این سخن پیامبر ﷺ اشاره دارد که امام در پاسخ به مروان حکم فرمود و نقد سمعت جدی رسول الله یقول الخلافة محرمة علی ال ابی سفیان فاذا رایتم معاویه علی منبری فابقروا بطنه، رک: لهوف، ص ۲۰.

۴۱. دکتر محمد حسین جعفری، تشیع در مسیر

تاریخ: ص ۲۶۱.

۴۲. حق شناس، قیام مقدس، ص ۱۵۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی